

زمزمه‌های چرنوبیل

تاریخ شفاهی

موسس: دکتر اکسیویچ

ترجمه از: دکتر: شهنام همت‌زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

کتاب نیستان

آکسیویچ، سویتلانا.

زمزمه‌های چرنوبیل / سویتلانا آکسیویچ؛ ترجمه شهرام همت‌زاده

تهران: کتاب نیستان، ۱۳۹۵.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۷-۸۹۴-۳

حادثه هسته‌ای چرنوبیل. اوکراین. ۱۹۸۶. خاطرات بلاروسی.

حادثه هسته‌ای چرنوبیل. اوکراین. ۱۹۸۶. روسیه سفید. جنبه‌های اجتماعی

همت‌زاده، شهرام. مترجم

TD ۱۳۹۵ ۸۷/ب/۵/۱۸۶

۳۶۳/۱۷۹۹۰۹۴۷۷۶

۴۵۸۷۰۱۲

زمزمه‌های چرنوبیل

سویتلانا آکسیویچ

ترجمه شهرام همت‌زاده

طرح جلد از فرزاد ادیبی

کتاب نیستان

چاپ اول ۱۳۹۵ ۱۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۷-۸۹۴-۳

چاپ و صحافی: کانون‌چاپ

نیستان: ۵-۱۲۴۴۳-۲۲۶

۳۲۰۰۰ تومان

ارتباط با شما ۸۵۵۲۳۰۰۰

www.neyestanbook.com

فهرست

مقدمه مترجم	۱۳
گواهی تاریخی	۲۱
صدای یک انسان تنه	۲۷
مصاحبه نویسنده با	۵۵
فصل اول. زمین مردگان	۷۵
تک‌گویی درباره اینکه چرا انسان‌ها خاطراتشان را به یاد می‌آورند	۷۷
تک‌گویی درباره آنکه در منطقه چربییر می‌شود هم با زندگان و هم با	
مردگان صحبت کرد	۸۱
تک‌گویی اهالی یک روستا درباره آنکه چگونه ارواح از آسمان فراخوانده	
می‌شوند تا با آنها گریه کنند و ناهار بخورند	۹۵
تک‌گویی درباره اینکه مرغ هم از دیدن کرم‌خاکی خرس‌حال می‌شود و	
اینکه هر چه که در ظرف چدنی می‌جوشد هم ابدی نیست	۱۱۸
تک‌گویی درباره آوازی بی‌کلام	۱۲۱
سه تک‌گویی درباره ترسی قدیمی و درباره اینکه چرا وقتی زن‌ها صحبت	
می‌کردند، مردی سکوت اختیار می‌کرد	۱۲۳
گروه کر سربازها	۱۴۵
فصل دوم. تاج خلقت	۱۷۵
تک‌گویی درباره پیشگویی‌های کهن	۱۷۷
تک‌گویی در باره صحنه شب مهتابی	۱۸۳

- تک‌گویی شاهی که هنگام زمین‌خوردن و فریادزدن مسیح دندان درد داشت ۱۸۷
- سه تک‌گویی درباره «خاکستر رونده» و «خاک گویا» ۱۹۷
- تک‌گویی درباره آنکه ما بدون چخوف و تولستوی نمی‌توانیم زندگی کنیم ۲۰۹
- تک‌گویی درباره آنکه فرانسیس مقدس برای پرندگان هم موعظه می‌خواند ۲۱۹
- تک‌گویی بدون عنوان، یک فریاد ۲۳۵
- تک‌گویی دو صدای مختلف: یک خانم و یک آقا ۲۳۷
- تک‌گویی درباره اینکه یک چیز کاملاً نامرئی می‌خزد و وارد بدن تو می‌شود ۲۴۹
- تک‌گویی که با پاهای پلمپ شده ۲۸۹
- تک‌گویی درباره عشق سوره غم ۳۰۱
- هم‌سرایی مردم ۳۱۵
- فصل سوم، شغف، غم و اندر ۳۳۱
- تک‌گویی درباره آنکه ما نمی‌دانستیم که مرگ می‌تواند تا این حد زیبا باشد ۳۳۳
- تک‌گویی درباره اینکه چقدر تبدیل به خاکشان آسان است ۳۳۹
- تک‌گویی درباره سمبل‌ها و اسرار کشوری بزرگ ۳۴۹
- تک‌گویی درباره اینکه وحشتناک‌ترین پیشامدها در زندگی، خیلی آهسته و طبیعی رخ می‌دهد ۳۵۳
- تک‌گویی درباره آنکه یک روس همیشه دوست دارد به چیزی ایمان داشته باشد ۳۶۳
- تک‌گویی درباره آنکه چقدر زندگی کوتاه، در زمانی بزرگ بدون محافظ و بی‌دفاع است ۳۷۱
- تک‌گویی درباره علم فیزیک که همه ما زمانی عاشقش بودیم ۳۷۷
- تک‌گویی درباره آنکه چرنوبیل فراتر از کالیمما و آشویتس است ۳۸۵

- تک‌گویی درباره آزادی و آرزوی مرگ عادی و طبیعی ۳۹۱
- تک‌گویی درباره بچه عقب‌مانده‌ای که در هر صورت دوست داشتنی است ۳۹۹
- تک‌گویی درباره آنکه به زندگی تیره باید چیزی اضافه شود تا بتوان آن را درک کرد ۴۰۳
- تک‌گویی درباره سربازی لال ۴۱۳
- تک‌گویی درباره سؤال همیشگی و لعنتی «چه باید کرد و چه کسی مقصر است؟» ۴۲۳
- تک‌گویی فردی از حامیان حکومت شوروی ۴۳۱
- تک‌گویی درباره اینکه چگونه دو فرشته، اولگا کوچولو را با خودشان بردند ۴۳۵
- تک‌گویی درباره حاکم بی‌سخت و حصر یک نفر بر دیگری ۴۴۳
- تک‌گویی درباره قربانیان راهپایان ۴۵۵
- گروه کر بچه‌ها ۴۶۷
- صدای یک آدم تنها ۴۷۹
- به جای سخن پایانی ۴۹۵

مقدمه مترجم

روز ۸ و ۲۶ آوریل ۱۹۸۶ سیستم ایمنی رآکتور شماره چهار چرنوبیل برای انجام آزمایشی، غیرفعال و کندکننده‌های نوترون از آن خارج شد. در نتیجه این اقدام، رآکتور بدون کندکننده مناسب، از کنترل خارج شد و دیگر امکان کنترل رآکتور نبود و دمای آن به بیش از حرارت خروجی طرح‌ریزی شده رسید. ساعت ۱۰:۱۱ شب ۲۵ آوریل ۱۹۸۶ دستور کاهش میزان قدرت رآکتور را به تست، به نیروگاه چرنوبیل ابلاغ شد و کاهش قدرت رآکتور شماره چهار تا ۳۰ درصد آغاز شد و این آغاز حادثه چرنوبیل بود. در واقع حادثه چرنوبیل معلول دو اشتباه بود: اولین اشتباه زمانی بود که کنترل‌کننده رآکتور، اشتباه به سبب تنظیم نکردن میله‌های جذب نوترون، نیروی رآکتور را تا یک درصد کاهش داد و قدرت رآکتور بیش از پیش کاهش یافت. در همین زمان، ماموران دومین اشتباه را انجام دادند و تقریباً تمامی میله‌های کنترل را از داخل رآکتور بیرون کشیدند. این ادغام را می‌توان به وضعیت اتومبیل تشبیه کرد که در آن واحد هم گاز بدهد و هم ترمز بگیرد. در این زمان، با وجود نبود میله‌های کنترل‌کننده، قدرت در داخل منطقه فعال نیروی رآکتور به ۷ درصد افزایش یافت. در ساعت ۱:۲۴ بامداد ۲۶ آوریل اولین انفجار، پوشش ۱۰۰۰ تنی بالای رآکتور را بلند و راه را برای خروج مقدار زیادی بخار آب هموار کرد و این مقدمه‌ای برای انفجار دوم بود که ناشی از هیدروژنی بود که احتمالاً، حاصل ترکیب بخار آب لوله‌های ترکیده و

زیرکونیوم و یا حتی گرافیت هسته رآکتور بود. انفجار دوم، سقف رآکتور را شکافت و ۲۵ درصد از تأسیسات هسته رآکتور را از بین برد. در عرض چند ساعت نشانه های دریافت تشعشع رادیواکتیو در شمار زیادی از کارکنان تأسیسات بروز کرد. عده افرادی که در بیمارستانها بستری شدند، تا ساعت ۶ صبح همان روز به ۱۰۸ و تا پایان روز اول به ۱۳۲ تن رسید. پس از انفجار، ابتدا محیط اطراف تأسیسات به امواج رادیواکتیو آلوده شد و به تدریج، ابرهای آلوده به نواحی دورتر سرکشیدند و بارش باران سبب شد که بخش های وسیعی از اروپا به مواد رادیواکتیو آلوده شود. در اثر انفجار در رآکتور بلوک چهار تأسیسات اتمی چرنوبیل، مواد رادیواکتیو بی ساختن حدود ۱۰۰ بمب اتمی آزاد شدند. در آن سال مقامات اتحاد شوروی، پخش هر گونه خبری را در مورد این فاجعه به شدت ممنوع کردند. بیانیه رسمی دولت شوروی چند خط بیشتر نبود: «حادثه ای در مجتمع هسته ای چرنوبیل اتفاق افتاده و یکی از رآکتورهای اتمی صدمه دیده است. اقدامات لازم برای از بین بردن اثرات حادثه انجام شده است. به قربانیان حادثه کمک و یک کمیسیون دولتی تعیین شده است.» ولی واقعیت این بود که واژه «صدمه» بیانگر وخامت سانحه اتمی نبود که در آن هسته مرکزی رآکتور نیم ذوب شده بود، قسمت گرافیت آن در آتش می سوخت و ستون مواد رادیواکتیو آن هزاران متر به آسمان می رفت. بیانیه رسمی مقامات شوروی فقط برای شمار کمی از افراد خارج از کشور، قابل استناد بود، در حالی که مردم این کشور به بیش از همه در معرض تشعشعات اتمی بودند، چیزی در مورد حادثه نمی دانستند. البته شایان ذکر است، این بیانیه زمانی صادر شد که دیپلمات های سوئدی اذعان کردند درصدد «اعلام خطر رسمی» به مقامات آژانس بین المللی انرژی اتمی هستند؛ چرا که دو روز پس از حادثه، ذرات رادیواکتیو حتی در سوئد هم کشف شد، ولی مقامات شوروی در ابتدا از قبول اینکه یک حادثه غیرعادی اتمی در آن کشور اتفاق افتاده امتناع کردند.

از نظر زیان های مالی و انسانی، حادثه چرنوبیل بدترین حادثه

نیروگاه‌های هسته‌ای در جهان به شمار می‌آید. در اثر آن نزدیک به ۵ میلیون نفر آسیب دیدند، حدود ۵ هزار مرکز مسکونی در بلاروس، اوکراین و فدراسیون روسیه با ذرات رادیواکتیو آلوده شدند که از این میان، ۲۲۱۸ شهر و روستا با جمعیت حدود ۲/۴ میلیون نفر در محدوده اوکراین قرار داشتند. در شوروی، اشخاصی که بیش از همه در معرض تشعشعات هسته‌ای قرار گرفته بودند کمتر از همه در مورد حادثه اطلاع داشتند. رای نمونه، مردم در پریپات، شهری که برای زندگی کارکنان چرنوبیل و خانواده‌های‌شان در دو کیلومتری آن مجتمع ساخته شده بود، به زندگی عادی خود ادامه می‌دادند. این شهر ۳۶ ساعت پس از وقوع حادثه تخلیه شد و تمام ساکنان روستاهای مجاور نیز هفته‌ها به طول انجامید. در کیبیل، نخستین روستای اوکراین، مردم پنج روز پس از حادثه، بدون اطلاع از اینکه در مراسم تشعشعات هسته‌ای هستند، مراسم «رژه ماه مه» را برگزار کردند. غیب از اوکراین، جمهوری بلاروس و فدراسیون روسیه، کشورهای فنلاند، سوئد، نروژ، ایستون، بریتانیا و برخی کشورهای دیگر نیز اثرات فاجعه را احساس کردند. عوامل اصلی فاجعه انجام آزمایش بدون فراهم بودن شرایط، سطح ناکافی ایمنی در رآکتور و اشتباهات پرسنل اعلام شد. عملیات اطفاء و مهار عواقب فاجعه در نیروگاه چرنوبیل، از نیمه دوم روز ۲۶ آوریل ۱۹۸۶ تحت ریاست کمیسیون دولتی شوروی آغاز شد و تا سال ۱۹۹۱ ادامه یافت. در اولین گام یک منطقه ورود ممنوع، در محدوده ۳۰ کیلومتری اطراف نیروگاه چرنوبیل، تعیین شد. از ۲۷ آوریل سال ۱۹۸۶، حکومت اوکراین ساکنان شهرهای پریپات و چرنوبیل، و روستاهای داخل منطقه ۳۰ کیلومتری (حدود ۱۰۰ هزار نفر) را به خارج این محدوده انتقال داد.

پنهان کردن اطلاعات مربوط به فاجعه چرنوبیل سبب شکل‌گیری و گسترش شایعات باورنکردنی پیرامون فاجعه شد. ریاست شوروی از پذیرش همکاری بین‌المللی برای انجام عملیات امحاء نتایج فاجعه هسته‌ای امتناع کرد. در سال ۱۹۸۹ بود که حکومت شوروی از آژانس

انرژی اتمی به منظور ارزیابی کارشناسی عملیات امحاء و مهار، درخواست کمک کرد. فاجعه چرنوبیل وضعیت تشعشع در محدوده‌های بسیاری از کشورهای اروپایی را به شدت تغییر داد، طوری که در ماه می سال ۱۹۸۶، در تمامی کشورهای نیمکره جنوبی، در اقیانوسهای آرام، اتلانتیک و منجمد شمالی آثار مواد رادیواکتیو مشاهده شدند.

بر اثر انفجار راکتور شماره ۴ چرنوبیل، در ساعات اولیه پنجاه آتش‌نشان و کارشناس این نیروگاه کشته شدند. بیش از پنج هزار نفر نیز تاکنون بر اثر ابتلا به سرطان جان باخته‌اند و تا سال ۲۰۱۰ آمارها حاکی از ابتلای شش هزار نفر به سرطان تیروئید در نتیجه انتشار تشعشعات رادیواکتیو است. اکنون پس از گذشت سال‌ها از این حادثه، هنوز تا فاصله ۱۰ کیلومتر از این نیروگاه خالی از سکنه است. بیش از ۱۶۰ هزار نفر از ساکنان این منطقه مجبور به تخلیه منازل خود پس از این انفجار شدند.

دوره نویسنده اثر

سویتلانا آلکسیویچ متولد ۲۱ می ۱۹۴۸ شهر استانیسلاو در شرق اوکراین از پدری بلاروسی و مادری اوکراینی است که هر دو معلم مدرسه بودند. خانواده او پس از مدتی به بلاروس مهاجرت کردند. سویتلانا تحصیلات خود را در سال ۱۹۶۵ به پایان رساند و به عنوان معلم تاریخ و زبان آلمانی و همچنین روزنامه‌نگار مشغول به کار شد. در سال ۱۹۷۲، دانشکده روزنامه‌نگاری دانشگاه ملی بلاروس را به پایان رساند و در روزنامه‌های آن زمان فعالیت خود را آغاز کرد و در سال ۱۹۸۳ عضو «اتحادیه نویسندگان شوروی» شد. مدتی در فرانسه و آلمان زیست و از سال ۲۰۱۳ مجدداً به بلاروس بازگشت.

به او لقب «آرشیو حافظه» داده‌اند. تمام کتاب‌های او بر مبنای مصاحبه‌های طولانی با افرادی است که حادثه یا رویداد مهمی را گذرانده‌اند و یا اینکه نزدیکان آنها، آن را درک کرده‌اند.

شهرت این نویسنده مرهون آثار مستندی همچون «جنگ چهره زنانه

ندارد»، «بچه‌هایی از جنس روی»، «زمزمه‌های چرنوبیل» و «دوران سوخته» است که بیشتر به اواخر دوران شوروی و دوران پساکمونیستی می‌پردازد که مملو از رنج و درد انسانی است.

اولین کتاب او به نام «من از روستا رفتم» مجموعه‌ای از تک‌گویی‌های ساکنان روستایی در بلاروس است که روستا را ترک می‌کنند و به شهر می‌روند. کتاب در سال ۱۹۷۶ آماده چاپ شد ولی بخش تبلیغات حزب کمونیست بلاروس، به دلیل نقدی که بر نظام حاکم موجود در آن بود، اجازه چاپ کتاب را نداد.

اولین کتاب چاپ شده وی با عنوان «جنگ چهره زنانه ندارد» در سال ۱۹۸۳ نوشته شد که زمانی مستند بر اساس مصاحبه با زنان شوروی است که در جنگ جهانی دوم شرکت داشته‌اند. قهرمانان این کتاب زنانی هستند که به عنوان پرستار، جلیان، تک‌تیرانداز، مترجم، پزشک، بی‌سیم‌چی و... در جنگ شوراساند و تجارب خودشان از جنگ را بیان می‌کنند. البته باز هم بخش مهمی از کتاب به دلیل سانسور، از چاپ‌های اولیه حذف شدند. اما، در سال ۱۹۸۱ کتاب به صورت کامل و با تیراژ دو میلیون نسخه منتشر و بر اساس آن نمادنامه‌های زیادی اجرا شد. در طی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۴ هفت فیلم مستند بر اساس این کتاب توسط کارگردانی به نام ویکتور دانیکو تولید شد.

دومین کتاب او با عنوان «آخرین شاه‌دین» در سال ۱۹۸۵ چاپ شد که با عناوینی دیگری همچون «تک‌خوانی کودکان»، «صداهای بزرگسال»، «صد داستان برای بزرگسالان» نیز منتشر شد و این کتاب بر مبنای خاطرات کودکانی بود که در زمان جنگ از ۶ تا ۱۲ سال سن داشتند.

سومین کتاب او با عنوان «بچه‌هایی از جنس روی» در سال ۱۹۸۹ منتشر شد که به تهاجم نظامی شوروی به افغانستان می‌پردازد و دلیل انتخاب چنین اسمی تابوت‌هایی از جنس روی بود که جسد سربازان شوروی با آنها به میهن‌شان بازگردانده می‌شدند. مبنای این کتاب

مصاحبه با مادران سربازانی است که در جنگ جان‌شان را از دست داده بودند و یا مصاحبه با خود سربازانی است که از جنگ بازگشته‌اند.

کتاب «مشعوفین مرگ» به خودکشی‌هایی می‌پردازد که در دوران شوروی سابق صورت گرفتند و در سال ۱۹۹۳ چاپ شد. در سال ۱۹۹۷ کتاب «زمزمه‌های چرنوبیل» منتشر شد که بر مبنای گفتگو با شاهدان فاجعه اتمی چرنوبیل است. در ادامه عنوان این کتاب نوشته شده «مستنداتی برای آینده» که همزمان نشان‌دهنده دو فاجعه است، یکی فاجعه تکنولوژیکی و دیگری فاجعه سوسیالیسم که در نتیجه آن، قاره عظیم سوسیالیستی به زیر آب رفت.

در سال ۲۰۱۳ کتاب «دوران سوخته» منتشر شد که به آلام انسان بعد از فروپاشی سوسیالیسم می‌پردازد.

کتاب‌های وی در زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، سوئدی، لهستانی، چینی، روسی، فارسی و بسیاری زبان‌های دیگر ترجمه شده‌اند، تعداد چاپ شده کتاب «زمزمه‌های چرنوبیل» به زبان‌های غیر روسی، به بیش از ۴ میلیون نسخه رسیده است.

تا سال ۲۰۱۵ وی برنده جوایز بسیاری، از جمله برنده جایزه «ریمارک» (۲۰۰۱)، جایزه ملی فدراسیون ایالات متحده (۲۰۰۶)، نشان خوانندگان جایزه «کتاب بزرگ» (۲۰۲۲)، برای کتاب «دوران سوخته» و بسیاری از جوایز دیگر شد و در سال ۲۰۱۳ برنده مدال طلای جمهوری بلاروس با عنوان «برند سال ۲۰۱۳» شد.

در سال ۲۰۱۳ سویتلانا آلکسیوویچ، نامزد دریافت جایزه نوبل ادبی شد ولی موفق به دریافت آن نشد، ولی در سال ۲۰۱۵ میلادی «آثار چند صدایی و خاطرات رنج و شجاعت زمان ما» موفق به دریافت جایزه نوبل ادبی برای کتاب «زمزمه‌های چرنوبیل» شد. او اولین برنده جایزه نوبل در جمهوری بلاروس و اولین نویسنده روس زبانی است که از سال ۱۹۸۷ موفق به دریافت این جایزه بزرگ ادبی شد و این اولین باری بود که ظرف ۵۰ سال گذشته یک روزنامه‌نگار برای ادبیات مستند، در طول

تاریخ اهدای جایزه ادبی نوبل، موفق به دریافت این جایزه شد. خانم آلکسیویچ بیش از ۱۰ سال با بیش از ۵۰۰ شاهد این فاجعه، از جمله آتش‌نشانان، مهارکنندگان، سیاستمداران، پزشکان، فیزیک‌دانان و برخی دیگر از شهروندان مصاحبه کرد. این کتاب شرح غم‌انگیز روحی و شخصی افرادی است که تحت تأثیر فاجعه اتمی چرنوبیل قرار گرفتند. متن این رمان اولین بار در سال ۱۹۹۷ و در مجله «دروژبا ناروداف» منتشر شد و جایزه برتر مجله را از آن خود کرد و در همان سال نیز به صورت کتاب نیز چاپ شد و همزمان ترجمه انگلیسی آن نیز در همان سال منتشر شد. ترجمه انگلیسی آن در سال ۲۰۰۵ جایزه انجمن ملی منتقدین کتاب ایالات متحده آمریکا را کسب کرد.

ژان روسیو، جامعه‌شناس سوئیسی در نقدی بر کتاب «زمزمه‌های چرنوبیل» که در سال ۲۰۰۰ منتشر شد، نوشت: «نویسنده این کتاب، قصد محکوم کردن کسی را ندارد برای خوانندگان را مجبور می‌کند که بر یک حافظه دسته‌جمعی درباره عوالت انسانی و اجتماعی فاجعه چرنوبیل فکر کنند. به نظر من کمک به انتشار کتاب‌های خانم آلکسیویچ «ضرورتی اخلاقی» است».

مترجم این اثر بر خود واجب می‌داند که از آقای دکتر صفرعلی فرسادمنش بدلیل زحمات‌شان در آشنایی با الفبا زبان روسی و شکل‌گیری علاقه به این زبان و همچنین همکار و دوست قدیمی آقای دکتر حسین شیخی و سرکار خانم نازگل مرادی برای زحماتی که کشیدند صمیمانه تشکر و قدردانی نماید. همچنین باید تشکر و سپاس شود از آقای مجتبی راشدی که از نظرات و کمک‌های بی‌دریغ ایشان در چاپ این اثر، بی‌نهایت بهره‌ها برده شد.

شهرام همت‌زاده